

پل اسپراکمن

## فالننامه بروج

قسمت دوم - بقیه از شماره چهارم

تعیین کردن تاریخ تألیف فالنامه بروج کار چندان آسانی نیست. آنچه مسلم است فالنامه محصول دوره دوم زندگی هنری عبید می باشد - دوره‌ای که در آن بقول مؤلف پیشگفتار مجموعه آثار عبید منتخبات عبید زاکانی<sup>۱</sup>، عبید برای بار یافتن بیزم خاص پادشاه؛ "بی‌پسروا سخنان فاحش و لطیفه‌های صریح و نادر گفت و صله و حایزه بشمار می یافت." <sup>۲</sup>

این دوره احتمالاً در اوایل سلطنت شاه شیخ ابواسحق در شیراز شروع شد (در سال ۱۳۴۱/۷۴۲) و تا آخر عمر عبید (۱۳۷۱/۷۷۲) ادامه پیدا کرد. با اینحال دو مدرک در دست است که تعیین ۷۴۲ را بعنوان تاریخ آغاز این دوره مورد تردید قرار می دهد:

(۱) صاحب تاریخ گزیده<sup>۳</sup> که در ۷۳۰ نگاشته شده می گوید که عبید "اشعار خوب دارد و رسائل بی نظیر." "آیا فالنامه بروج یکی از این رسائل بود؟

(۲) رساله اخلاق الاشراف<sup>۴</sup> (تاریخ تألیف = ۱۳۳۹/۷۴۰) از لحاظهایی که بعداً مشخص خواهد گشت با فالنامه بروج شباهتهای مهم دارد. پختگی و زبردستی که در رساله اخلاق الاشراف نمایان است دلالت می کند بر اینکه عبید باید قبل از نوشتن آن، تجربیات درطنز ادبی نویسی و در "ضد نوع نویسی" دارا بوده باشد.

بهرحال فالنامه بروج محصول دنیایی بود که خواه حافظ در آن پرورش فکری یافت - دنیایی که: "حاهل دولتیار و عالم بیدولت...".<sup>۵</sup> دنیایی بود که ریا و تزویر و زشتکاریهای دیگر در سراسر همه طبقات

اجتماعی هنجارها و رفتار عادی و ایستاری تلفی میشدند:

"روزگار حافظ اگر از روی دیوان وی تصویر شود - روزگاری بوده است آکنده از فساد و گناه - آکنده از تزویر و حنایت - تاریخ هم هست که به این مایه فساد و حنایت شهادت دهد. آنچه مادر یک پادشاه است که در کامحویبهای بی بند و بار خویش تا سرحد فحشاء پیش میرود. زن یک پادشاه دیگر شوهر خویشرا در خواب می کشد به این گناه که فاسق او را به حبس افکنده است. زن دیگری برادر شوهر را بر ضد شوهر خویش تحریک می کند تا از او کام بیابد یا نشئه انتقام." ۶

در این زمان بسیاری از تعهدات اخلاقی و ارزشهای سنتی اجتماعی وارونه شد. مردم گویا بسبب کمبود رهبران متمدن و نیک منش و یابعلت دورویی عناصر هدایت کننده و آموزنده، جامعه دست به خیانت زدند و گشتند "قوم سوء فاسقین". این آشفتگی اخلاقی که گاه حتی به تضادهای هزل آفرینی در امور جنسی زمان منجر میشد:

ز هجرت نبوی رفته هفتصد و چل و چار  
در آخر رحب افتاد اتفاق حسن

زنسی چگونه زنی خیر خیرات حسان  
به زور بازوی خود خصیتین شیخ حسن  
گرفت محکم و میداشت تا بمرد و برفت

رهی خحسته زنی خایه دار مردافکن ۷

علاوه بر یک آشفتگی اخلاقی، بی نظمی در تار و پود اجتماعی دیده میشود که یکی از علل اساسی پیدایش آن حابحایی امتیازات مالی و منابع قدرت سیاسی بعد از تسلط یافتن صحرانشینان مغولی بر امور اقتصادی ایران است. گروهی از نفوذداران و بزرگان جامعه، قرن هشتم شیراز و قزوین از افرادی که گرچه از امتیازات مادی تمدن اسلام برخوردار بودند - عدم آشنایی با منافع روحی و فرهنگ غنی آن ایشان را هدف نیشباران طنز - نویسان چون عبید ساخت، رشیدالدین فضل الله در باره، این طیفه،

مال پرستان و سودولتان می‌بویست:

"... دیگر خللی معظم آن بود که در این مدت‌ها ملوک و متصرفان ولایت که مردم اصیل یا ناموس بودند متعهد مال ولایت به موجب مقرر نمی‌توانستند شد و از آن کار اجتناب می‌نمودند و گدایان سیاه‌کار چون ده ساله عمر مفلسانه به ده روز تنعم ملکانه بسدول می‌توانستند زر به سود می‌سپردند و به خدمتی می‌دادند و حاکمی ولایت می‌سندند و به مناصب ملوک و سلاطین معتبر می‌رسیدند...<sup>۸</sup>"

هدف فالهای اهان‌آمیز عبید جز این نیست؛ مردم کسی نمی‌تواند باشد. "صاحب فال" همچنین صاحب چهارپایان و کنیزکان و پرستاران و متاع دنیا است و همانطور که در فالها آشکار است در راه حفظ یا افزایش این "اموال" گه‌گاه دچار نگرانی می‌شود.

در مقابل جامعه‌ای که در آن "مذهب منسوخ گشت مختار" و برعکس جامعه‌ای که حکم اساسی آن "امر به منکر و نهی از معروف" بود از قلم یک سخن‌شناس باریک‌بین یا (بقول حافظ) "نکته دانی بذله‌گو" چه می‌توان توقع داشت؟ عده‌ای از شاعران قصیده‌سرای دوره غزنوی معمولاً بدبینی و خشم خود را که از آشفتگی‌های جامعه ناشی بود در قالب "قصیده شکوی" می‌ریختند. از آن جمله می‌توان عبدالواسع حبلی غرجستانی نام برد:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا

و زهر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه

شد دوستی عداوت و شد مردمی حفا

گشته ست بازگونه همه رسمهای خلسق

زین عالم نبیره و گردون بیوفا<sup>۹</sup>

قصیده‌ای از حکیم سنائی نیز بازگون شدن نظام اخلاقی سنتی فرهنگ اسلامی را بازگو می‌کند:

شرع را یکسو نهادستند اندر خیر و شر

قول بظلمیوس و حالینوس باور کرده‌اند

عالمان بی عمل از غایت حرص و امل

خویشتر را سخره<sup>۴۰</sup> اصحاب لشکر کرده اند

از برای حرص سیم و طمع در مال یتیم

حاکمان حکم شریعت را مبرتر کرده اند<sup>۴۱</sup>

تردید نیست که عبید از این سنخ بیان گله مندی کاملاً آگاه بوده اما برای ابراز ناراضایی خود از وضع فعلی اجتماعی طنز و هزره گویی را بر قصاید شکوی ترجیح می داده است.

طرح کلی طنز اجتماعی عبید در رساله، اخلاق الاشراف بر این اساس است که جامعه تا اندازه چشمگیری فاسد شده و برای نمایان ساختن نتایج این فاسدشدگی وسیله‌های مؤثرتر و رساتر از مبالغه و اغراق گویی نیست - بنابراین عبید سعی می کند که جامعه، خیالی را که از لحاظ اخلاقی پستتر و پلیدتر از جامعه واقعی وی باشد بیافریند. در رساله، اخلاق الاشراف رفتار پلید و فاسد گروهی از افراد جامعه عبید بطور اغراق آمیز تعمیم می شود تا رفتار این گروه بصورت حکمی یا ایستاری در بیاید و عواقب غیر قابل قبول چنین گرایشهای کرداری بخوبی روشن شوند. عبید شهوت پرستی و خودخواهی جامعه، اخلاق الاشراف را بحابی می رساند که:

"هر کس باید که آنچه او را بچشم خوش آید آن بیند و آنچه بگوش خوش آید آنرا شنود و آنچه مصالح او بدان منوط باشد از خبث و ایذا و بهتان و عشوه و دشنام فاحش و گواهی بدروغ آن بر زبان راند... " <sup>۱۱</sup>

می توان گفت که از لحاظ روانی در رساله، اخلاق الاشراف قوه شهوانی<sup>۴۱</sup> بعنوان انگیزه اصلی رفتار انسانی جایگزین سایر قوه ها چون قوه ناطقه و قوه غضبی شده است. قوه شهوانی نیز بر دنیای فالنامه بروج تسلط کامل دارد. عبید به صاحب فال نصیحت میدهد:

"نام و ناموس بسوز تا به دولت رسی"<sup>۱۲</sup>

البته یگانگی جنبه روانی رساله، اخلاق الاشراف و فالنامه بروج تا اندازه ای از میزان تنوع ادبی آنها کاسته است. اما با توجه به قرار -

دادهای سنتی و مقتضیات روانی طنزنویسی و هجونویسی توسل بنوعی ساده‌گرایی برای عبید امری بود اجتناب‌ناپذیر.

برای آفریدن دنیای رسالهٔ اخلاق‌الاشراف و فالنامهٔ بروج - عبید می‌بایست از دید خاص‌ی برخوردار باشد دیدی که بعضی پدیده‌های ناپسند جامعه را به خیانت و پستیهای محض تبدیل کرد - دیدی که منش پیچیدهٔ انسان را به بردگی قوهٔ شهوانی تقلیل داد - و دیدی که عالم سفلی را به "اسفل‌العالمین" گرداند. صاحب‌نظران در زمینهٔ طنز اجتماعی این دید را "پلید بینی"<sup>۱۳</sup> می‌نامند. آنها پلید بینی را مهمترین عنصر طنز اجتماعی میدانند و براساس پژوهشهای ادبیات تطبیقی در این زمینه تصدیق می‌نمایند که همهٔ طنزنویسان از این شیوهٔ بیان استفاده کرده‌اند. از یک نگاهی کوتاه به تاریخ این نوع ادبی (طنز اجتماعی) میتوان این نتیجه را گرفت که "پلید بینی" از همهٔ دیدهای طنزنویسی دیگر بیشتر مورد استعمال قرار گرفته است. آریستوفانس (Aristophanes) "جسوارهٔ فحشگویی" را بوجد می‌آورد - چاسر (Chaucer) سرگذشت‌های شهوتپرستانهٔ انسان را مورد تمسخر قرار میدهد - رابله (Rabelais) بشادمانی راجع به سرگین و سیرابی‌ها و کادپیس‌ها<sup>۱۴</sup> (کادپیس = کیسه‌ای یا پردهٔ کوچکی بود که برای پوشاندن درز شلوارهای تنگ مردانه در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی بکار برده میشد) بحث می‌نماید - ولتر (Voltaire) با خوش‌خلقی ظاهری وحشت‌آوریهای زندگی جسمانی بشر را فهرستوار ذکر می‌کند - استرن (Sterne) خنثی‌شدن را مضحک میدانند - و اسمولت Smollett دنیائی پراز بولدان‌ها در حالت سرازیر شدن تصور می‌کند.<sup>۱۴</sup>

پلید بینی عبید در واقع درست عکس بینش شعراء عرفانی است که از پدیده‌های طبیعی بعنوان منبع سمبولهای خلاقیت نیروی الهی بهره - برداری نمودند و اشیاء "بی‌جان را" با نوع روحیت همگانی آراستند.<sup>۱۵</sup> این پلید بینی است که در فالنامه و در اخلاق‌الاشراف از جانگرایی زندگی انسان می‌گاهد و به ماده‌گرایی آن می‌افزاید.

اما با وجود هماهنگی بینشی میان رسالهٔ اخلاق‌الاشراف و فالنامهٔ

بروج از لحاظ هرزه‌نویسی اختلافات فاحشی بین این دواثر عمید پدیدار است. در اخلاق الاشراف اصول رفتاری "اسفل العالمین" بصورت تئوری مطرح گردیده است. در فالنامه این اصول از مرحله نظری به مرحله عملی انتقال میشود و امکانات دنیایی که قوه شهوانی بر آن حاکم است تحقق می‌یابد. در فالنامه:

"آنچه مصالح (فالگو) بدان منوط باشد از خبث و ایذا و بهتان و عشو و دشنام فاحش و گواهی بدروغ" - آن در حقیقت بوسیله فالگو گفته میشود. اینست که می‌توان هرزه‌نویسی فالنامه بروج را صورت "تکامل یافته‌تر" یا زاییده هرزه‌نویسی رساله اخلاق الاشراف دانست. علاوه بر این مشاهده میشود که هرزه‌نویسی فالنامه از درشتی خاصی برخوردار است که هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت از مرزهای طنز ادبی یا اجتماعی "محض" عبور کرده و وارد سرزمین قوه شهوانی خالص شده است.

بعقیده این نگارنده عوامل ادبی و یا اجتماعی نمی‌توانند که کاملاً درشتی و کیفیت زنده و یکنواختی هرزه‌نویسی فالنامه بروج را توجیه دهند و برای پی بردن به راز محبوبیت و وسعت استعمال هرزه‌نویسی خواه در میان سخنوران بزرگ دوره "کلاسیک" ادبیات فارسی خواه در میان هزل‌نویسان و طنزپردازان پژوهش‌راچع به این پدیده "ادبی" و "اجتماعی" از دید روانشناسی بی‌فایده نخواهد بود.

پاره‌ای از داستان سرایان ادبیات فارسی به این نکته اشاره کرده‌اند که بطور کلی قصص هزل‌آمیز نسبت به سایر انواع داستان سرایی رساتر و محبوب‌تراند. در "دیباچه" مترجم "کلیله و دمنه" می‌خوانیم:

"وآنکه آن را (کلیله و دمنه را) در صورت هزل فرموده تا چنانکه خواص مردمان برای شناختن تحارب بدان مایل باشند عوام بسبب هزل هم بخوانند و بتدریج آن حکمتها در مزاج ایشان متمکن گردد." ۱۶

اما بعلل معینی که گفته شد سخن شناسان در مورد روندها و "مکانیسم‌هایی" که منجر میشوند به "متمکن‌گشتن" حکمت این‌گونه لطایف

و داستانشها در مزاج انسانی حرفی نزد ما ند.

"روانشناسی بدله‌ها" در واقع با تحقیقات فروید درباره شناخت ساختهای ضمیر ناخودآگاه آغاز میشود.

جوهر فرضیه فروید در مورد لطیفه آنست که لذت آن از بیان آزاد احساسات سرکوب شده‌ای (رک به اوائل این مقدمه) مشتق می‌شود که اگر به صورت دیگری بیان می‌شد در نظر شخصیت هشیار<sup>۱۷</sup> غیر قابل قبول بود. یک نیروی روانی که برای سرکوبی تمایل نامطلوبی به کار رفته است ناگهان آزاد می‌شود و به صورت خنده تخلیه می‌گردد. در شوخیها تمایل سرکوب شده معمولا جنبش پرخاشگرانه‌ای برضد یک مقام مقتدر و یا یک موضوع حسنی است - که به آن می‌خندیم. ۲۱۷

بنابراین شوخیها ولطایف راه‌گریز تمایلات نامطلوب و سرکوب شده است. در سیستم روانشناسی فروید سرچشمه این تمایلات id یا "نهاد" نامیده می‌شود. ۱۸ Id قسمتی از سازمان روانی انسانی است که هم "آماره" ۱۹ و هم سست به زمان و بهر نوع مغالطاتی و حتی به نظام اخلاقی جامعه کاملا بی‌اعتناء می‌باشد. ۲۰ عبارت دیگر نهاد سرچشمه همان قوه است که عبید قوه شهوانی نامید. چون در فالنامه دنیائی وجود دارد که قوه شهوانی و بهیمی بر امور آن حکمفرماست (پیش‌گفته شد) در نتیجه این ضد فالنامه را می‌توان پیامی از نهاد عبید دانست. حالا برای فهمیدن و توجیه بعضی از عبارات و شیوه فحش‌نویسی عبید جا دارد که هرزه‌نویسی فالنامه بروح را با توجه به ساختها و مکانیسمهایی که فروید در نهاد "کشف" کرده است بررسی کنیم.

فروید معتقد بود که هر فردی در بچگی مرحله روانی را بنام مرحله نشیمنگاهی<sup>۲۱</sup> می‌گذارند. . . . "مرحله نشیمنگاهی غالباً" در سال دوم شروع می‌شود و تا سال چهارم ادامه دارد. این دوره در تشکیل شخصیت مهم‌ترین مراحل است. لذت از ناحیه نشیمنگاه از ابتدائی‌ترین دوره زندگی وجود دارد. اما تا این مرحله قوی نیست. . . . در این مرحله. . . . لذت اصلی از دفع (مدفوعات) به حفظ مدفوع منتقل می‌شود. یکی از علل

آن این است که کودک متوجه می‌شود که نگهداری مدفوع موجب تحریک شدید حدار روده می‌شود. یک علت دیگر آن اهمیت فوق العاده‌ای است که کلانسال برای این عمل قائل است. حالا که دیگران این مواد را با ارزش می‌دانند - چرا بچه آن را برای خودش نگه‌دارد و آن را بدیگران بدهد؟... کودک می‌تواند مدفوع خود را به عنوان هدیه بدهد تا به این وسیله محبت خودش را ابراز نماید. ۲۲

طبق نظریه‌های فروید - بعد از مرحله نشیمنگاهی تمایلات و گرایشها به نکه داشتن و ارج نهادن به پلیدیهای بدن - هم بوسیله فشار برونی جامعه و دین و هم بوسیله نیروهای درونی ساخت روانی - سخت سرکوب می‌شوند و در ضمیر ناخودآگاه اندوخته می‌گردند. برای توجیه پیدایش هرزه‌نویسی این نکته نباید از یاد برود که افکار و گرایشهای واپس زده هرگز از بین نمی‌روند بلکه بخش مهمی از ساخت ناخودآگاه روان انسانی را تشکیل می‌دهند و گه‌گاه مصورت‌های تلطیف‌یاوالا تر شده ۲۳ در منطقه خودآگاه ذهن رخنه می‌کند.

وقتی به بساری از هرزه‌نویسی ادبیات فارسی می‌نگریم نمی‌توانیم درستی نظریه فروید را درباره شوخیها انکار کنیم. در سراسر هرزه - نویسی که نگارنده مورد تحقیق قرار داده‌ام - وویژه درهجوگویی گرایش به استفاده کردن از محصولات نشیمنگاه بعنوان اسلحه بخوشی نمایان است. البته ناگفته نماند که این گرایش در دشنام عوام هم منعکس است. ۲۴

در اسفل العالمین فالنامه - حائیکه فوه - شهوانی آزادانه تاخت و تاز می‌کند و افکار واپس‌زده نهاد نا بی‌روایی وارد میدان خودآگاه میشود انتظار داریم که مثالهای این‌گونه گفتار فراوان باشد.

نویسنده فالنامه برخلاف انتظار ما عمل نکرده است. دردنیای محقر این ضد فالنامه فالگیر فالهایی را فرا می‌بید که در آنها رفتار مباین اصول پاکیزگی انگاشته میشود. این "اصول طهارت ظاهری" عبارات اند از:



۲) طهارة عن الحدث

۳) طهارة عن فضلات البدن ۲۵

در واقع هرزه‌نویسی عیب در رهگذر "تابوشکنی" توسعه می‌یابد تا جایی که پلیدیهای بدن انسان و چهارپایان بمنظور خوارداری صاحب فال بکار رفته است.

ریش و سیل صاحب فال بارها مورد حملهٔ هر نوع مدفوعی و محصول جسمی قرار می‌گیرند.

در مثنوی مولانا از جنبهٔ رمذگی زای مدفوع استفاده کرده است

تا ناپاکی عمل جمع‌آوری ثروت را برساترین وجه نشان دهد:

اعیا مانند سرگین کشان بهر آتش کردن گرمابه بان

پیش عقل این زرچوسرگین ناخوشت گرچه چون سرگین فروغ آتش است

در صورتی که پلیدی بینی عیب را می‌توان عکس دید عرفانی تعبیر

نمود. آفریدهٔ آن پلید بینی - آفریدهٔ آن نهاد "رها شده" - یعنی

هرزه‌نویسی فالنامهٔ بروج را می‌توان عکس دیای متمدن و "هدایت‌شده" دانست.

در مورد تأثیر هرزه‌نویسی ب. والد راپ B. Waldrop می‌گوید:

"هرزه‌نویسی یک نوع شیفتگی را ایجاد می‌کند - شیفتگی مرکب از کشش و در عین حال اکراه." ۲۶

برای خوانندگان فالنامهٔ بروج هرزه‌نویسی دوتا تأثیر متضاد و ناسازگار

همراه خود دارد: بعنوان آفریدهٔ رویدهای روانی نهاد عیب - از طرفی

ما را بخودش می‌کشاند - کنحاوی عاطفی ما را راجع به مجرمات و

ممنوعات زندگی برمی‌انگیزد - اما از طرف دیگر ما را از خود می‌رماند:

اشاره‌های صریحش به همین مجرمات و ممنوعات وحشت و اکراه را در ما

بوحدود می‌آورد. این کیفیت "کشش در عین رماندگی" با احتمال قوی

می‌تواند راهی برای فهمیدن گوهر پیدایش و محبوبیت هرزه‌نویسی باشد.

خدا داناتر است.

- ۱- این کتاب در ۱۳۰۳/۱۸۸۵ در استانبول بهمت میرزا حبیب اصفهانی  
بچاپ رسید. رک به E. G. Browne, *Literary History of Persia*,  
VIII p. 231
- ۲- رک نیز به کلیات ص ۱۵۱
- ۳- تاریخ گزیده نوشته حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی  
قزوینی باهتمام دکتر عبدالحسین نوائی - تهران ۱۳۳۶ ص ۸۴۶.
- ۴- کلیات ص ۱۵۸ - ۱۸۸.
- ۵- از کوچه رندان نوشته دکتر عبدالحسین زرین کوب تهران ۱۳۴۹  
ص ۶۴.
- ۶- از کوچه رندان ص ۵۰ - ۵۱.
- ۷- مطلع السعدين في مجمع البحرين - نوشته کمال الدین عبدالرزاق  
سمرقندی به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی - ۱۳۵۳ (تهران)  
قسمت اول ص ۱۸۹.
- ۸- (باین حادثه در سخن های دکتر زرین کوب (۴۳) اشاره شد.)  
جامع التواریخ (بنقل از کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران  
عهد معول نوشته ایلیا پاولویچ پطروشفسکی - ترجمه کریم کشاورز  
- تهران ۱۳۵۵ - ص ۴۴۵ - ۴۴۶).
- ۹- مجمع الفصحاء نوشته رضا قلی خان هدایت - بکوشش مظاهر مصفا -  
تهران ۱۳۳۶ - ج ۱ ص ۵۱۲.
- ۱۰- دیوان حکیم سنائی به اهتمام مدرس رضوی تهران ۱۳۵۴ ص ۱۴۸.
- ۱۱- کلیات ص ۱۶۸.
- ۱۲- قوه شهوانی = یا قوه بهیمی: "مبدأ طلب غذا و شوق بماکل  
(کذا) و مشارب و مناکح بود" کلیات ص ۱۶۴.
- ۱۳- س ۶۵ - ۶۶.
- ۱۳- پلیدیبینی یا Scatological Reductionism عبارت است  
از محدود کردن انسانیت به طلب غذا و دفع مدفوعات و گرایش به  
شهوترانی. بعبارت دیگر دیدی است که از پیچیدگی منش انسانی  
که مرکب از عناصر دنیایوی و مینوی است چشم پوشی می کند و انسان  
را فقط بعنوان موجودی خاکی که همیشه در راه تشریف نیازهای جسمی  
خودش کوشاست تعریف می کند. رک به کتاب:
- The Perverse Imagination;  
Sexuality and Literary Culture ed. by Irving Buchen, N.Y. 1970  
و مقاله ای در این کتاب: "Satire and the Rhetoric of Sadism"  
by Joseph Bentley pp. 57-75.  
و نیز رک به کتاب:  
Life Against Death,  
"The Excermental Vision" by Norman O. Drown, N.Y. 1959
- ۱۴- رک به مقاله Joseph Bentley ص ۶۴.
- ۱۵- رک به کتاب طلا در مس نوشته رضا برهنی تهران ۱۳۴۷ ص ۱۳۹ -  
۱۴۰.
- ۱۶- ترجمه کلیله و دمنه: ابوالعالی نصرالله منشی به کوشش استاد  
مجتبی مینوی طهرانی - تهران ۱۳۵۱ ص ۹ - ۱۰. رک نیز به

- کتاب ادوات شعر و مقدمات شاعری تألیف شمس قیس رازی - به  
کوشش جمشید مظاهری و محمد فشارکی - اصفهان ۱۳۴۸ - ص ۱۶.
- ۱۷ - یعنی "شخصیت خود آگاه" یا *Conscious Personality*  
۱۷ - مبنای روانکاوی نوشته فرانس (فرانز) الکساندر ترجمه فرید جوهر  
کلام تهران ۱۳۴۴ - ص ۱۶۸.
- ۱۸ - "نهان" - یا منبع موروثی جنبشهای غریزی نامنظم - که هنوز  
با یکدیگر و با حقایق واقعیت خارجی هماهنگ نشده‌اند. "همان  
کتاب ص ۶۷.
- ۱۹ - نفس اماره: (بمنقل از فرهنگ علوم عقلی تألیف سیدجعفر سجادی -  
تهران ۱۳۴۱) "مراد نفوس پست است که تابع هوا و هوس بوده و بر  
حسب دستورات مهلکه انسان را وادار بکارهای زشت میکنند و  
بالاخره روح انسانی را باعتبار غلبه حیوانیت نفس اماره گویند."  
۲۰ - رک به کتاب  
*Eros and Civilization* by Herbert Marcuse,  
N.Y. 1962 p. 27.
- ۲۱ - *Anal Stage*
- ۲۲ - نظریه‌های روانکاوی شخصیت - تألیف جerald بلوم - ترجمه  
هوشنگ حقنویس تهران ۱۳۵۱ - ص ۱۱۷ - ۱۱۹.  
رک نیز به مقاله "فروید بنام" پیدایش لیبیدو (شور جنسی) و ترکیبات،  
آمیزشی
- (Development of the Libido and Sexual Organizations)  
A General Introduction to Psycho-Analysis by S. Freud, 1915-17,  
Translated by Joan Riviere.
- ۲۳ - والایش یا تلطیف یا (Sublimation) : (بمنقل از کتاب مبنای  
روانکاوی ص ۹۷) هنگامی که یک میل بدوی برای خود (ego) غیر  
قابل قبول است - و برای قابل قبول شدن از نظر اجتماعی مورد  
تعدیل واقع می‌گردد - والایش خوانده می‌شود.
- ۲۴ - پلیدیهای بدن در ادبیات انگلیسی نیز این نوع دخالت دارد:
- "You, that void your rheum upon my beard"  
Merchant of Venice Act I Scene 3.
- ۲۵ - رک به احیاء علوم الدین ج ۱ ص ۲۲۷.

## نکته‌ای در باره مقوم

آینده - "ضد فالنامه" اصطلاح خوبی است که آقای اسپراکمن برای فالنامه بروج طنز به‌کار گرفته است و در همین زمینه خوانندگان باید "مقوم" تألیف سرهنگ میرزا رضاخان افشار مترجم السلطان را بشناسند که در سال ۱۳۲۴ قمری نشر شده است و واضح آن نقیض تقویم را ساخته و به‌شوخی و طنز حوادث را وارونه‌گوئی کرده است. بخشی از آن را در یکی از شماره‌های آینده ارائه خواهیم کرد.

## سازمان کتاب در خدمت دوستان و کتابخانه‌ها

در سازمان کتاب فقط کتابهای تاریخی و ادبی و هر کتابی که جنبه تحقیقاتی و یا سندی داشته باشد عرضه می‌شود و این کتابها با توجه به اهمیت محتویات و روش تهیه و چاپشان گزیده شده است به‌منظور آنکه خواستار و خریدار با صرف وقت کمتر و اطمینان بیشتر کتابهای مفید و قابل نگاه‌داری را به‌دست آورد.

این سازمان انتخاب و تهیه کتاب برای کتابخانه‌های عمومی و اختصاصی را می‌پذیرد و در زمینه‌های مورد نظر آنها کتابهای قدیم و جدید کمیاب و دیرپای، ایرانی و خارجی را تهیه می‌کند.

(بجز عصر سه‌شنبه و پنجشنبه) هم‌روز صبح و عصر فروشگاه سازمان کتاب بازست و کتابهای تازه را عرضه می‌کند.